این ارقام‌را دلسوزانه بخوانید: ۴۰ درصد دختران ۱۵ تا ۲۴ سال نه درس می‌خوانند، نه شغل دارند، نه در حال مهارت‌آموزی هستند

آمارهای عجیب از دختران دور از تحصیل و بی‌شغل

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

طی نزدیک بـــه دو هفته اخیر که اتفاقات و حوادث تلخی در کشور رخ‌داده، در ریشه‌یابی این حوادث تحلیل‌های مختلفی عمدتا از ســـوی جامعه‌شناسان ارائه شده است. در برخی از تحلیل‌ها این‌طور عنوان‌شـــده که طبقه متوسط و طبقه بالای جامعه میدان‌دار این حوادث هستند. اما نگاهی به جمعیتی که در فضـــای حقیقی و به‌اصطـــلاح در خیابان حضور پیدا کرده‌اند نشان می‌دهد نه‌فقط درجمیعت مرکز و شمال شهرها، بلکه در شـــهرهای کوچک، شـــهرهای دور از مرکز و محلات خارج از مرکز و شـــمال شهر نیز اعتراضاتی رخ داده که شاید این افراد را نتوان جزء طبقه‌متوســـط و بالا به‌حساب آورد. در گزارش پیش‌رو به یکی از زمینه‌های اقتصادی این حوادث اشاره می‌شود. در این زمینه برخی تحلیلگران در ریشه‌یابی مولفه‌های اقتصادی حوادث اخیر به موضوعاتی همچون شکاف طبقاتی اشـــاره کرده‌اند. اما موضوعی که در ادامه می‌خواهیم به آن بپردازیم، مربوط به فضایی است که در حوزه اشتغال به‌واسطه فرصت‌های محدود و ناپایدار، موجب دلسردی، سرخوردگی و خروج بخش زیادی از زنان از بازار کار شده است. بخشی از این جمعیت که در سن ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند، در حوادث اخیر سهم بالایی از زنان حاضر در اعتراضات خیابانی را به‌خود اختصاص داده بودند.

دو میلیون زن ۱۵ تا ۲۴ ساله بدون شغل؛ بدون تحصیل

نگرانـــی از افزایش تعداد بیـــکاران، به‌خصوص جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی روزبه‌روز پررنگ‌تر شده و تاثیرات منفی آن بر زندگی جوانان و خانواده‌ها و به‌طور کلی جامعه آشکارا دیده می‌شود؛ اما نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد بیکاری جوانانی است که با یا بدون تحصیلات از حیطه نظام آموزشی خارج شده و بدون داشتن مهارت خاصی به دنبال کار می‌گردند و امکان دستیابی به شغل مناسب برای آنها به مراتب کمتر است. مســـاله نگران کننده‌تر این است که جوانانی که ترک تحصیل کرده‌اند و در جایی مشـــغول به کار یا مهارت‌آموزی نیســـتند، علاوه‌بـــر اینکه فرصت‌های آینده خود را از دســـت می‌دهند و همچنین به‌عنوان سربار خانوار (به لحاظ اقتصادی و معیشت) محســـوب می‌شـــوند؛ بیش از دیگر گروه‌های سنی درمعرض بزهکاری، اعتیـــاد به موادمخدر و ارتکاب اعمال مجرمانه قرار دارند. بر همین اســـاس، از حدود دو دهه پیش در بســـیاری از کشورهای توســـعه‌یافته جهت شناسایی و بررسی وضعیت جوانان خارج از اشـــتغال، تحصیل یا مهارت‌آموزی، آنان را با عنوان NEET طبقه‌بندی کرده و سیاست‌های رفاهی خاصی برای آنها تدوین می‌کنند؛ مفهومی که در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی کشور ما به‌طور خاص توجه چندانی به آن نشـــده است. یکی از دلایل اصلی این مساله عدم شناخت این دسته از جوانان است، به‌طوری که هم در ادبیات پژوهشی کشـــور ما تحقیقات بسیار اندکی در این زمینه صورت گرفته و هم در برنامه‌های توسعه‌ای دولت، بودجه‌های سالانه، دستور کار جلســـات مجلس و ســـایر امور هیچ حرفی از این گروه به میان نیامده است.

واژه NEET که اولین‌بار در سال ۱۹۹۹ به‌طور رسمی در سطح سیاســـی انگلیس مطرح شـــد، در کمتر از ۱۰ سال در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای درحال توسعه مطرح و به‌کار گرفته شد. این شـــاخص که مختصر واژگان «Not in Employment, Education or Training» بـــوده، روایتگر وضعیت جوانان در ســـن ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ای است که نه درحال تحصیلند (ترک تحصیل کرده‌اند) نه مشـــغول مهارت‌آموزی و نه در جایی مشغول کار هستند.

درخصوص آمار و ارقام این حوزه، طبق گزارشی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین مرکز آمار ایران منتشر کرده‌اند، وضعیت NEETهای ایران از سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۴۰۰ در دسترس است. طبق این آمارها، درحالی که نرخ NEETها برای مردان ایران بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ حول و حوش ۱۵ تـــا ۱۷ درصد بوده، اما در گروه زنان نرخ NEETها از ۴۷ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۳۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. طبق این آمارها، در ســـال ۱۳۹۴ از ۵٫۷ میلیون زن در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال تعداد ۲٫۷ میلیون نفر معادل ۴۷ درصد از آنان نه مشغول تحصیل بوده، نه شاغل و نه دنبال مهارت‌آموزی بوده‌اند. در ســـال ۱۴۰۰ تعداد زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به ۵ میلیون و ۹۰ هزار نفر رسیده که یک میلیون و ۹۸۵ هزار نفر از آن جزء جمعیت NEETها هستند.

NEETهای ایران بیشتر از ۱۶۰ کشور

مقایســـه نرخ NEETهـــای ایران با آمارهای جهانی نشـــان می‌دهد نرخ ۲۷٫۴ درصدی NEETها، کشـــورمان را در رتبه ۳۴ جهان قرار می‌دهد. به عبارتی ایران در کنار ۳۳ کشور که عمدتا آفریقایی هستند، بیشترین نرخ NEETها را دارد. نرخ ۲۷٫۴ درصدی NEETهای ایران درحالی است که در ژاپن این مقدار ۳٫۱ درصد، در ایســـلند ۴٫۹ درصد، سوئد و هلند ۵٫۱ درصد، سنگاپور درصد، نروژ ۶٫۳ درصد، جمهوری چک ۶٫۵ درصد، اسلوونی ۶٫۶ درصد، دانمارک ۷٫۱ درصد، در بلژیک ۷٫۴ درصـــد، در آلمان ۷٫۵ درصد، در پرتغال ۷٫۶ درصد و در ایرلند و فنلاند نیز این مقدار ۷٫۷ درصد است. درمجموع طبق آمارهای بانک جهانی، نـــرخ بیش از ۲۷ درصدی NEETها ایران را در رتبه ۳۴ قرار داده و در ۱۶۰ کشـــور نرخ NEETها کمتر از کشورمان است.

خیابان در تصرف NEETها

نیجر، ترینیداد و توباگو، کیریباتی، گویان، سومالی، موریس، بورکینافاســـو، جمهوری دومینیکن، بوتســـوانا، چاد، لیبریا، مولداوی، عراق، موریتانی، اردن، لسوتو، بنین، نپال، پاکستان، کوزوو، نامیبیا، فلســـطین، مالی، آفریقـــای جنوبی، تونس، مصر، جامائیـــکا، گامبیا، زیمبابوه، زامبیا، رواندا، ســـاموآ و گواتمالا ازجمله کشـــورهایی هستند که نرخ NEETهای آنها بیشـــتر از کشورمان اســـت. یکی از ویژگی‌هایی که در اغلب این کشورها مشـــاهده می‌شود، فضای احساسی در تحولات خیابانی آنهاســـت. نکته قابل تامل اینکه، تحولات بهار عربی در کشـــورهایی با سرعت عجیبی انجام شده که سهم جمعیت NEETها در آنها زیاد اســـت. این دو شاید به لحاظ تئوریک به همدیگر ارتباطی نداشته باشند اما NEETها پتانسیل بسیاری برای حضور در خیابان دارند. این جمعیت مرد یا زن باشد، در اغلب اوقات به این نتیجه می‌رســـد چیزی برای از دست دادن ندارد. فشـــار روانی ناشی از ســـرباری اقتصادی این جمعیت در خانواده نیز می‌تواند عاملی برای بروز رفتارهای احساســـی باشد. مثال جالب حضور میدانی NEETها در تحولات خیابانی ســـال‌های اخیر کشور عراق اســـت. در این کشور با هر اتفاق سیاسی جمعیت زیادی از جوانان با رفتارهای احساسی همه محاسبات را به هم می‌ریزند. در ایران نیز اگر نگاهی به ترکیب سنی جمعیتی که در آبان ۹۸، دی ماه ۹۶ و همچنین تجمعات اخیر داشته باشیم، افرای که به کف خیابان‌ها آمده بود، در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال هستند. شاید نتوان همه این معترضان را در رده NEETها جای داد، اما NEETها نقش برجسته و غالبی را در حوادث اخیر داشته‌اند. به اذعان جامعه‌شناسان، NEETها چـــون آینده‌ای برای خود قابل تصور نیســـتند، می‌توانند تهدیدی برای امنیت خود و جامعه باشـــند. همچنین NEETها چون ســـازمان‌یافته و متشـــکل نیستند (همچون اصناف، اتحادیه‌ها و کارگران و...)، معمولا بیشترین شکل «جنبش‌های گسترده کور» را دامن می‌زنند. اینها چون طرحی هم برای آینده ندارند، به لحاظ امنیتی با جنبش‌های کور می‌توانند یک زلزله ۸ ریشتری را در جامعه رقم بزنند.

بیکاری زنان ۳ برابر میانگین جهانی

ازجمله ویژگی‌های دیگر شرایط خاص زنان ایران، سهم پایین مشـــارکت اقتصادی زنان است. طی دو دهه اخیر و به ویژه با آمدن دولت احمدی‌نژاد درحالی دانشگاه‌ها و فضای آموزش عالی به روی همه گشـــوده شد و زنان سهم بالایی از محصلان آموزش عالی را تشـــکیل دادند که دولت‌ها چندان برنامه‌ای برای اشـــتغال این گروه نداشته‌اند. شاید نتوان با قاطعیت از نبود برنامه حرف زد اما در برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی بخش اشتغال چندان حرفی از افزایش مشارکت اقتصادی زنان به میان نیامده است.

طبق آمارهای مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی (نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت بالای ۱۵ سال) زنان در ســـال ۱۳۸۴ حدود ۱۷ درصد بوده که این میزان طی ایـــن مدت حول‌وحوش ۱۴ تا ۱۷ درصد درنوســـان بوده و در سال ۱۳۹۸ به ۱۷ درصد و در زمستان ۱۳۹۹ به ۱۳٫۹ درصد و در زمستان ۱۴۰۰ به ۱۲٫۸ درصد و در بهار امسال به ۱۳٫۸ درصد رسیده است. به‌عبارتی در بهار سال ۱۴۰۱ از جمعیت ۳۱ میلیون و ۷۸۳ هزار نفری زنان بالای ۱۵ سال (در سن کار) تنها ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جزء جمعیت فعال قرار داشته‌اند. به‌واسطه مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی و درنهایت مولفه‌های مربوط به خرده‌فرهنگ‌های داخل کشور، مقایسه نرخ مشـــارکت اقتصادی زنان ایرانی با دیگر کشـــورها به‌ویژه کشـــورهای غربی شاید چندان مقایســـه علمی و منطقی‌ای نباشـــد. اما نرخ بیکاری می‌تواند مقایســـه مطلوب‌تری برای فهم وضعیت بازار کار زنان ایرانی با دیگر کشورها فراهم سازد. براســـاس آمارهای مرکز آمار ایران در بهار ســـال ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان حدود ۱۳٫۸ درصد بوده، این درحالی است که طبق آمارهای بانک جهانی، در سطح جهان میانگین نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۴۷٫۳ درصد است. این میزان در کشوری چون سوئد ۷۱ درصد، در فنلاند ۶۴٫۴ درصد، سوئیس ۶۳ درصد، نروژ ۶۲٫۱ درصد، کشـــورهای عضو اتحادیه اروپا حدود ۵۸ درصد و در کشورهای عضو OECD (تعداد ۳۷ کشور عضو ســـازمان همکاری و توسعه اقتصادی) حدود ۵۳ درصد اســـت. در ژاپن این نرخ حدود ۵۳٫۳ درصـــد و در آمریکا این میزان ۵۷٫۴ درصد است.

اما درخصوص بیکاری نیز، درحالی طی ســـال گذشـــته نرخ بیکاری زنان ایرانی حدود ۱۶٫۱ درصد و میانگین ۱۶ ســـاله حـــدود ۱۶ درصد بوده کـــه میانگین نرخ بیـــکاری زنان در جهان حدود ۵٫۵ درصد اســـت. این میزان بـــرای زنان ژاپن ۲٫۲ درصد، آلمان ۲٫۷ درصد، نـــروژ ۳٫۴ درصد و در آمریکا، انگلیس و کره‌جنوبی حـــدود ۳٫۶ درصد، چین ۳٫۷ درصد و روسیه ۴٫۴ درصد است. فرانسه با ۸٫۴ درصد، هند با ۹ درصد، ایتالیا ۱۱ درصد، برزیـــل ۱۴ و ترکیه با ۱۶٫۵ درصد، ازجمله کشورهای منتخبی هســـتند که نرخ بیکاری زنان آنان بالاتر از میانگین جهانی و میانگین کشـــورهای توسعه‌یافته است. همچنین میانگین نرخ بیکاری بین کشورهای عضو OECD نیز حدود ۵٫۶ درصد است.

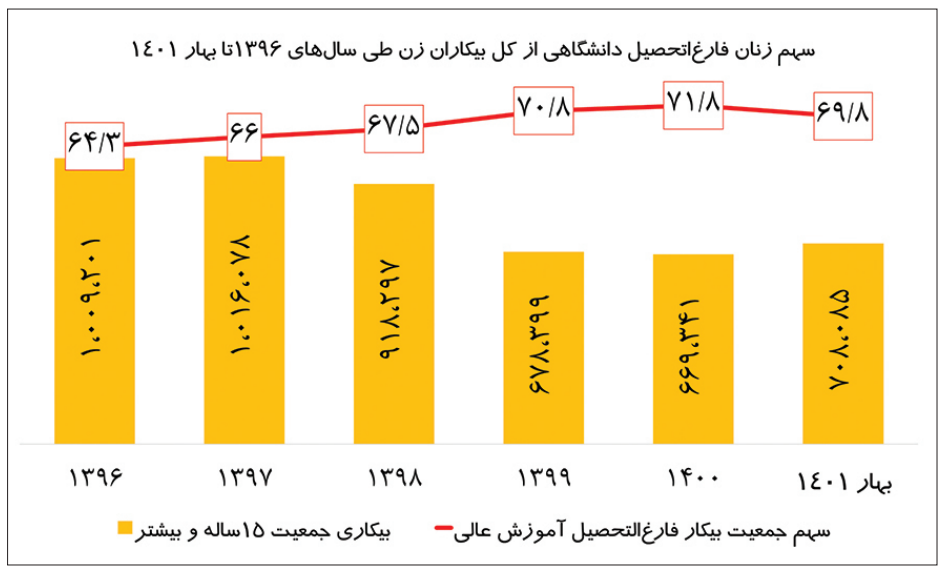

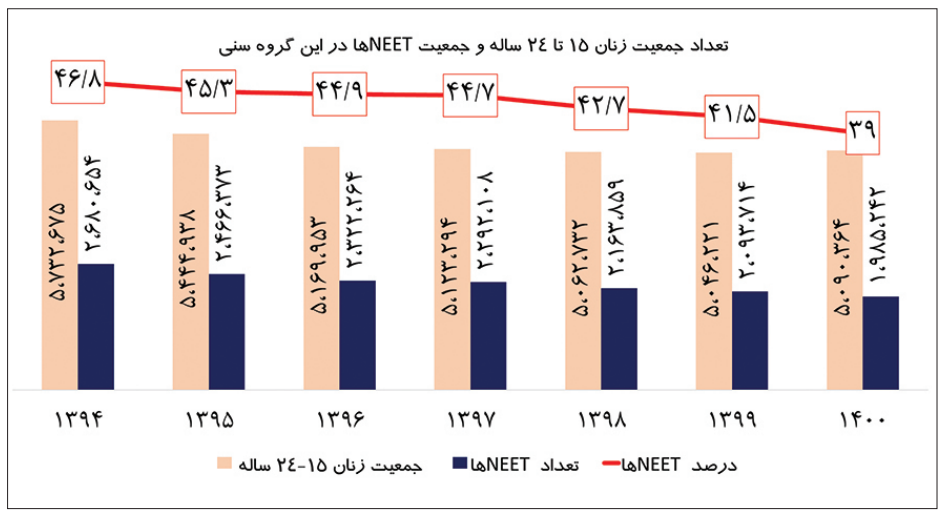

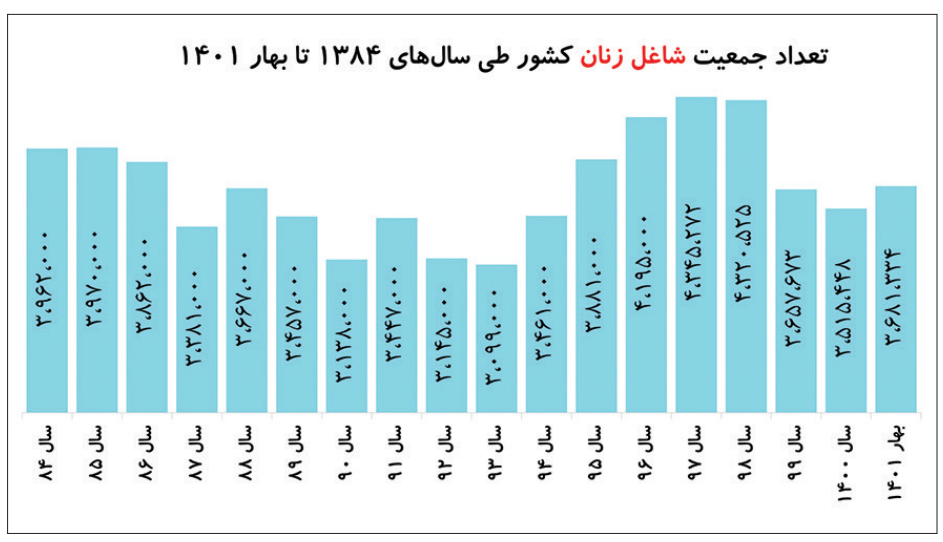

۷۰ درصد بیکاران زن، فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند

بررســـی اعداد و ارقام اشتغال زنان از این منظر مهم است که در دو دهه اخیر سهم زنان از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. با این‌حال، در حوزه اشتغال با تنزل در شـــاخص‌ها، فارغ‌التحصیلان در شرایط بحرانی قـــرار گرفته‌اند. در همین خصـــوص نگاهی به نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان نشـــان می‌دهد در ســـال ۱۴۰۰ درحالی ســـهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل کشـــور از کل بیکاران حدود ۴۰٫۳ درصد و سهم مردان ۲۷٫۹ درصد بوده کـــه این میزان برای زنان با مدرک دانشـــگاهی ۷۱٫۸ درصد بوده اســـت. به‌عبارتی در ســـال گذشـــته از کل زنان بیکار، حدود ۷۲ درصد آنها دارای مدرک دانشـــگاهی بوده‌اند. در بهار ســـال جاری ۶۹٫۸ درصد از زنـــان بیکار، دارای مدرک دانشگاهی هستند.

کاهش ۲۸۱ هزار نفری شاغلان زن در ۱۸ سال اخیر

طبـــق آمارهای مرکز آمار ایران تعداد شـــاغلان زن ایران از حدود ۴ میلیون نفر در ســـال ۱۳۸۴ بـــه ۳٫۴ میلیون نفر تا پایان ســـال ۱۳۹۱ رسیده است. این تعداد در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ بازهم کاهش یافته و به ۳٫۱ میلیون نفر در هر دو سال رسیده است. در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ تعداد شاغلان زن کشور به ۴٫۳ میلیون نفر رسیده که حدود ۳۰۰ هزار نفر از شاغلان زن در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بیشتر است. اما با شیوع کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸، اشتغال زنان که حول‌وحوش ۶۰ درصد آن در بخش غیررســـمی اقتصاد (مشـــاغل فاقد بیمه، ناپایدار، ثبت‌نشـــده) به‌شدت آسیب دید، به‌طوری که تعداد شاغلان زن در بهار امسال درحالی به حدود ۳٫۷ میلیون نفر رســـیده کـــه این تعداد نزدیک به ۶۴۰ هزار نفر از تعداد شـــاغلان ســـال ۱۳۹۸ کمتر است. اما نکته قابل تامل اینکه، بررســـی تعداد شاغلان زن کشور از ســـال ۱۳۸۴ تا بهار ۱۴۰۱ (طی ۱۸ ســـال) نشان می دهـــد در این مدت تعداد شـــاغلان زن از ۳ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر در ســـال ۱۳۸۴ به ۳ میلیون ۶۸۱ هزار نفر رسیده که حکایت از کاهش نزدیک به ۲۸۱ هزار نفری شاغلان زن طی این ۱۸ سال دارد.

۵۸ درصد زنان در مشاغل فاقد بیمه

یکی از مخاطرات اشتغال زنان در ایران؛ فعالیت آنان در مشاغل پرریســـک بخش غیررسمی است. اشتغال و بخش غیررسمی همـــواره در همه اقتصادهای جهان وجود داشـــته‌اند اما این بخش در کشورهای درحال توسعه پرقدرت‌تر و پررنگ‌تر است. امروزه بخش غیررسمی به‌عنوان بخشی مهم و جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بالاخص اقتصادی بازار کار کشورها محسوب می‌شود که نقش مهمی در ایجاد اشتغال، تولید و افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کند. تغییرات جمعیتی و ساختاری (همزمان با افزایش رشد جمعیت)، افزایش جمعیت شهرنشینی، افزایش درآمدهای نفتی و سیاست‌های پولی در برخی کشورها ازجمله ایران نیز به توسعه این بخش دامن زده است. به این نحو که با افزایش عرضه نیروی کار، فقدان سرمایه‌گذاری مناسب به‌دلیل ریسک بالای سرمایه‌گذاری و قوانین دست‌وپاگیر جهت ایجاد واحد اقتصادی، اقتصاد کشورها با کمبود فرصت‌های اشتغال مواجه شـــده که به‌تبع افزایش نرخ بیکاری را به‌دنبال داشته است. از این‌رو بخش غیررسمی که عبارت است از فعالیت‌های اقتصادی که بدون نیاز به سرمایه زیاد و خارج از مقررات رسمی و قوانین کار عمل می‌کند با کاهش نرخ بیکاری بازار کار کشورها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. درکنار اشـــتغال‌زایی اورژانســـی، گســـترش این فعالیت‌ها به کاهش درآمدهای مالیاتی کشور، عدم برخورداری نیروی کار از حمایت‌های بیمه‌ای و بازنشستگی و کاهش سطح رفاه و دستمزد نیروی کار، گسترش فعالیت‌های غیرقانونی همچون قاچاق کالا و... منجر خواهد شد. مرکز آمار ایران در گزارشی که تحت‌عنوان «نتایج تفصیلی اشتغال و بخش رسمی و غیررسمی ۹۹-۱۳۹۸» منتشر کرده، به ارائه جزییات مشـــاغل غیررسمی در کشور پرداخته است. طبق گزارش این نهاد دولتی از ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار شاغل زن در ایران، نزدیک بـــه ۱٫۶ میلیون نفر از آنان در مشـــاغل رســـمی (دارای بیمه بازنشستگی، ثبت شـــده و دارای حسابداری) فعالیت کرده و ۲ میلیون و ۷۳۹ هزار نفر از آنان نیز در مشـــاغل غیررســـمی شـــاغلند. طبق این آمارها، در ســـال ۱۳۹۹ با شـــیوع کرونا تعداد ۶۶۳ هزار نفر از زنان شـــاغل، شغل خود را ازدست داده و از بازار کار خارج شـــده‌اند. طبق آمارهای مرکز آمار، در سال ۱۳۹۹ از ۳٫۶ میلیون شـــاغل زن در ایران، تعداد ۲٫۱ میلیون از آنان معادل ۵۹ درصد در مشاغل غیررسمی فعال بوده‌اند.

شاید طرح این موارد در شرایط فعلی مباحث حاشیه‌ای تلقی شود اما سیاستگذار در کشور باید با درک این وضعیت در حوزه زنان ورود کند. به ویژه اینکه طبق برخی برآوردها، بســـیاری از مشـــاغل غیررسمی زنان در ایران، مشاغل خانگی هستند که اغلب نوپا بوده و تبلیغات و فروش کالا و خدمات آنها در بستر فضای مجازی شکل گرفته است.

تحولات اقتصاد کلان به ضرر زنان

درخصوص زنان و اشتغال، ما با دو پدیده مخرب روبه‌رو هستیم. اولی ســـهم زیاد جمعیت NEETهاســـت و دومی مشـــارکت اقتصادی کم زنان در ایران. درباره جمعیت NEETها، سه عامل اصلی در افزایش جمیعت این گروه موثر است. ۱-نحوه گذار از تحصیل به کار، ۲-طرد اجتماعی و ۳-اقتصاد سیاسی به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل فرآیند NEETشدگی محسوب می‌شود.

۱-نحوه گذار از تحصیل به کار: این مفهوم به فرآیندی اشاره می‌کند که در آن جوانان با توجه به اتمام دوران تحصیلی خود، به مشاغل مستقر و رضایت‌بخشی که با آموزش‌های دریافتی آنها هماهنگی دارد، منتقل نمی‌شوند؛ درنتیجه دوره‌های وابستگی خانوادگی بلندمدت‌تر شده و میانگین سن ازدواج و بچه‌دارشدن افزایش می‌یابد. ضعف ساختاری نظام اقتصادی، کیفیت کم آموزش در مدارس و حوزه آموزشی عالی، ضعف مهارت‌پذیری و کارآفرینی در دانش‌آموزان یا دانش‌آموختگان دانشگاهی، عدم تطبیق عرضه و تقاضای سرمایه انسانی و سیاست‌های نامناسب اقتصـــادی و آموزش عالی ازجمله مواردی هســـتند که گذار از تحصیل به کار را برای جوانان ایرانی بسیار دشوار کرده است.

۲-طرد اجتماعی: پیامدهای منفی NEET فقط به هزینه‌های اقتصادی (که رقم قابل توجهی نیز هســـت) محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای اجتماعی و سیاســـی آن نیز دامن‌گیر جوامع خواهد شـــد. طرد اجتماعی و سیاسی و کاهش مشارکت این دســـته از جوانان در جامعه به‌همـــراه افزایش بیگانگی آنان با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، زمینه را برای انحراف و ارتکاب جرائم مختلف فراهم می‌کند.

۳-اقتصاد سیاســـی: اگرچه عوامل ســـطح خرد و ترجیحات شخصی در شکل‌دهی به زندگی جوانان بی‌اهمیت نیستند و کنش‌هـــا و باورهای جوانان می‌توانند فرصت‌های زندگی آنها را تحت‌تاثیر قرار دهند، اما تصمیمات سیاســـی اتخاذشده در ســـطح ملی و بین‌المللی، علاوه‌بر اینکه قابلیت دسترسی به شـــغل، تحصیل و کارآموزی را شـــکل داده و تعیین می‌کنند، تخصیص منابع به شکل بهینه با دستمزد مناسب، مزایای رفاهی و تسهیلات آموزشـــی و دسترسی به خدمات عمومی و تامین بودجه و زیرساخت‌های محلی را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. برای مثال درحالی که دولت‌ها در ایران هنگام انتخابات وعده ایجاد ســـالانه چند میلیون شغل را می‌دهند، اما بررسی‌های آماری نشان می‌دهد طی دوره ۱۸ ساله ۱۳۸۴ تا بهار ۱۴۰۱ تعداد شـــاغلان کشور فقط ۲ میلیون و ۷۳۶ هزار نفر افزایش یافته که حاکی از اشـــتغالزایی خالص سالانه ۱۷۰ هزار نفری است. اما درخصوص زنان این نکته قابل تامل هم وجود دارد، اینکـــه در دوره ۱۸ ســـاله ۱۳۸۴ تا بهار ســـال ۱۴۰۱ تعداد شاغلان زن نه‌تنها افزایشی نیافته، بلکه تعداد شاغلان زن در بهار امسال نزدیک به ۲۸۱ هزار نفر کمتر از سال ۱۳۸۴ بوده است. لذا شکست سیاست‌های اشتغالزایی دولت‌ها طی این مدت، در NEETشدن و NEETباقی‌ماندن جوانان به‌عنوان بخش بزرگ نیروی کار ایران بسیار موثر بوده است.

در سطح دنیا تحقیقات زیادی درخصوص جمعیت NEETها انجام شده است. ازجمله کیلیچ (Kilic) پس از تحقیق درباره NEET جوانان کشور ترکیه پیشنهادهایی دارد که می‌تواند برای سیاست‌گذاری در ایران نیز مناسب باشد. به اعتقاد وی ۱-ارائه آموزش‌های نظری و مهارتی جایگزین برای جوانانی که سیستم رسمی مدرسه را ترک می‌کنند، ۲-نظارت بیشتر بر فرآیند گذار از مدرسه به بازار کار و ۳-ارائه آموزش‌های مهارتی و فنی مطابق با نیازهای بازار کار در مدرســـه، پیشنهادهایی است که دولت می‌تواند برای تدوین راهبردها و سیاســـت‌های اشـــتغالزایی جوانان از آنها بهره بگیرد. فورلانگ (Furlong) دیگر محققی است که در این حوزه تحقیقات جامعی داشته است. وی یکی از دلایل اصلی توجه به مفهوم NEET در کشورهای مختلف را افزایش پیچیدگی فرآیند گذار جوانان از تحصیل به کار، تضعیف مســـیر تمام‌وقت تحصیل و مهارت‌آموزی و افزایش الگوهای پاره‌وقت و ترکیبی مشـــارکت می‌داند. بسیاری از پژوهشگران یکی از فوری‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکارها برای کاهش نرخ جمعیت NEETها را ارائه آموزش‌های فنی و مهارت‌آموزی خارج از سیستم آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها می‌دانند.

این موارد، پیشنهادهای کوتاه‌مدت بودند. اما همان‌طور که در این گزارش نیز به‌طور مفصل به آن اشاره شد، به‌رغم اینکه سهم زنان ایرانی در فضای تحصیلات آموزش عالی افزایش یافته، اما به همان نسبت در فضای کسب‌وکار و اشتغال برای این جمعیت عظیم فرصت برابر و عادلانه ایجاد نشـــده است. براین اساس سیاست‌گذار می‌بایست در تدوین اسناد و برنامه‌های اشتغال و کار، توجه شایسته‌ای برای این گروه داشته باشد. البته یکی از دلایل عدم افزایش ســـهم زنان در اشتغال کشور، درجا زدن تولید ناخالص داخلی ایران در دهه ۹۰ و سقوط تشکیل سرمایه در ایران بوده اســـت. به عبارتی، علاوه‌بر کم‌توجهی دولت‌ها، تحولات اقتصاد کلان در دو ســـطح به زیان زنان بوده اســـت. اولی فرصت‌های کم و محدود اشـــتغال و دومی ایجاد اشتغال ناپایدار و غیررسمی است که در تلاطم‌های اقتصادی ازجمله کرونا منجر به خروج زنان از بخشی از بازار کار کشور شده است.